

تفکیک در حجیت

گاه گفته می‌شود: تفکیک در حجیت فقرات یک روایت امری پذیرفته شده از سوی دانشمندان اصول فقه است؛ بر این اساس اگر فرض کنیم برخی از فقرات یک حدیث مشکلی مخالفت با قرآن (مثلاً) دارد، بقیه فقرات را باید پذیرفت. در مانحن فیه هم بر فرض که فقره دال بر نقص ایمان زن به دلیل رؤیت دم ماهانه، خلاف آیات قرآن باشد، چرا بقیه فقرات پذیرفته نشود؟!

در پاسخ می‌توان گفت: اولاً تفکیک در فقرات - بر مبنای ما - وقتی قابل قبول است که فقرات عرفاً جدا از هم به حساب آید، به گونه‌ای که لطمه به ظهور و اطمینان به صدور بقیه نزنند، و این وضعیت در اینجا حاکم نیست. بعلاوه فقره نقص عقل هم به گونه‌ای دیگر مشکل دارد؛ این فقره هر چند مخالف قرآن به حساب نیاید، فی نفسه غیر قابل دفاع می‌نماید!

ضمن این که تفکیک در حجیت در فرض اعتبار روایت است و در مانحن فیه چنین اعتباری وجود ندارد.

دلالت این گروه از روایات بر منع تصدی زنان

با تحقیقی که در بررسی سند این روایات صورت گرفت و مشکلاتی که در مسیر صدور این روایات ترسیم گردید، مجالی برای بررسی دلالت این گروه از روایات برای آن چه استدلال گردید و نقد و بررسی آن باقی نمی‌ماند، با این همه به اجمال می‌گوییم:

روایات این باب، هیچ دلالتی بر منع تصدی زن برای پست‌های قضاوت و غیره ندارد، مگر در جایی که نسبت به آن تصدی ناتوان باشد، که البته اگر مرد هم ناتوان باشد، صلاحیت ندارد. نهایت این که . فرضاً . زنان فاقد توانایی از جهت درصد بیش از مردان باشند. به عبارت دیگر - مطابق برخی اصول گذشته - در روایات - بر فرض اعتبار - آمده است که زن نقص ایمان، نقص عقل و بهره دارد و نمود فقهی آن هم ذکر گردیده است، لکن آیا فقیه می‌تواند از این امور استفاده کند و بر اساس آن فتوا دهد؟ مثلاً از فردا بگوید: زن نمی‌تواند برای زنان امامت کند صرفاً به دلیل نقص دین و ایمان یا نقص عقل؟ یا معاملات او باطل است چون ناقص العقل و غیر رشید است؟ بنابر این موارد مذکور صرفاً در تعینات خودش، به کار می‌آید، و مصرف خارجی ندارد!

ادامه بیان منع

مطلب را با بیانی دیگر می‌توان دنبال کرد و گفت:

بدون تردید نقص و کمال در مقوله ایمان و عقل، دارای مراتب و مقول به تشکیک است؛ از این رو اگر زنی فاقد توانایی برای تصدی پست مورد نظر بود، عهده دار شدنش جایز نیست و الا مشکلی نخواهد داشت.

بررسی دلالت سایر روایات در این گروه

در گروه پنجم (که مورد بحث کنونی ماست) روایات دیگری نیز وجود داشت که افزون بر فقد سند، نسبت به دلالت بر منع تصدی اجنبی است. این ادعا نیازمند توضیح نیست. بنابر این روایات این گروه دال بر مطلوب (منع تصدی) نیست.

بررسی و نقد گروه دال بر نهی از اطاعت از زنان، نهی از مشورت با ایشان و مفادهای مشابه (گروه ششم)

برخی از روایات این گروه قبلاً¹ نقل گردید، در این گروه، عموم روایات ضعیف لکن بر اساس موازین رجال برخی از آنها معتبرند؛ به عنوان مثال از روایاتی که از کتاب کافی نقل گردید، روایت عبدالله بن سنان از امام صادق . علیه السلام . (قال : ذکر رسول الله - صلی الله علیه و آله - النساء فقال : ...) معتبر است. روایت سکونی از امام صادق - علیه السلام - (قال : قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - من اطاع امرأته ...) و روایت بعد از آن (طاعة المرأة ندامة) به عنوان روایات موثقه به شمار می آیند و البته برخی از آنها هم فاقد سند معتبرند، لکن به دلیل همسویی برخی از آنها با روایات معتبر، می توان به جبر سند آنها نیز قائل شد؛ هر چند این جبر، وضعیتی را تغییر نمیدهد.

البته برخی از این روایات آثار جعل در آن آشکار است مانند روایت اول از این گروه (شکی رجل من اصحاب امیر المؤمنین نساءه فقام علی - علیه السلام - خطیباً...).

که به نظر می رسد اگر صادر هم شده باشد، تعریضی است به وضعیتی که عایشه ساخته بود؛ طبیعتاً نظر حضرت - علیه السلام - به صدور رأی در مورد همه زنان برای همه زمانها نیست.

به عبارت دیگر : چنان که تقیه مجوز صدور برخی گفتارها از معصوم - علیه السلام - است (البته با شرایطی که دارد) برخی امور دیگر نیز می تواند مجوز صدور برخی مطالب باشد؛ مطالبی که عالمان دین باید آنها را پردازش کرده و در مورد خودش (و نه فراتر از آن) به کار بندند. ضمناً این روایت به دلیل حضور علی بن احمد - که توثیق نشده است - و عبدالله بن احمد در سند آن قابل دفاع رجالی نیست.

نقد و تحلیل محتوایی روایات این گروه

مطابق روشی که تاکنون ارائه شد، فقیه نمی تواند از آن چه در این روایات آمده است، استنتاج فقهی کند. مثلاً بگوید : چون نباید در معروف از زنان اطاعت کرد، پس فتوا به حرمت تصدی مسئولیت توسط زنان داده می شود. اصولاً عدم اطاعت از زنان در معروف را باید در فضای طبیعی معنا کرد و الا آیا تکلیف امر به معروف از زنان برداشته شده است؟ و امر به معروف و نهی از منکر مخصوص مردان است؟ آیا نظارت این روایات بر مردانی که امر خانه یا جامعه را به دست زنان می دهند و خود نقشی ندارند و آن ها فارغ از هر هنجار اداره می کنند، نیست؟